

## کاوشی در حقوق خبرنگار از منظر فقه امامیه\*

- حسین صابری<sup>۱</sup>
- حسین حقیقت‌پور<sup>۲</sup>

### چکیده

با توجه به عصر ارتباطات و لزوم پاسخ‌گویی فقه به مسائل جامعه، بررسی حقوق خبرنگار از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. نوشتار حاضر با نگاهی به قانون مطبوعات، حقوق خبرنگار مانند آزادی اطلاع‌رسانی، امنیت جانی و مصونیت کیفری را مورد بررسی و تحلیل فقهی قرار می‌دهد. در این مقاله، ثابت شده که برای تحقق اطلاع‌رسانی اسلامی، این امور شرط لازم و حداقل است و تا رسیدن به «ارسانه دینی» فاصله بسیار است. واژگان کلیدی: حقوق خبرنگار، امنیت جانی، مصونیت قضایی، قانون مطبوعات.

### مقدمه

مقاله حاضر به دنبال آن است که آیا خبرنگار، صرف نظر از شخصیت حقیقی‌اش،

\* تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۷/۲۶ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۹/۱۶.

۱. دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد (saberi@ferdowsi.um.ca).

۲. دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی (نویسنده مسئول) (haghighat1365@gmail.com).

دارای حقوقی به عنوان حقوق خبرنگاری در فقه امامیه هست یا خیر؟ از آنجا که عنوان خبرنگار به معنای امروزی، موضوعی نوپیدا است، روش ما در استنباط پاسخ این پرسش، استفاده از عمومات و اطلاقات موجود در متون دینی خواهد بود.

در مقاله پیش رو، به دنبال تعیین تمامی حقوق یک خبرنگار نیستیم؛ چرا که تحقق این امر نیازمند مجالی گسترده‌تر است. از این رو به بررسی برخی از مهم‌ترین حقوق خبرنگار می‌پردازیم.

## ۱. تعریف خبر و اهمیت و جایگاه آن در عصر کنونی

صاحب‌نظران حوزه ارتباطات در تعریف خبر اختلاف نظر دارند. تبیین و تعریف دقیق و علمی خبر نه ممکن است و نه در راستای هدف این نوشتار؛ از این رو به تعریف اجمالی آن بسنده می‌کنیم:

خبر اعلام و بیان وقایع جالب زندگی اجتماعی و نقل عقاید و افکار عمومی است. بنابراین واقعیات جهان هستی و زندگی بشر فی حد نفسه خبر نیست و آنگاه که توسط کسی اعلام و بیان شود، خبر خواهد بود و البته پر واضح است که اعلام به هر طریقی باشد، فرقی ندارد؛ اعم از کتبی، شفاهی، تصویری و... (معمدنژاد، ۱۳۸۶: ۱۰).

تمایل فطری انسان به زندگی مدنی و اجتماعی و برقراری ارتباط با دیگران، نمایانگر جایگاه و اهمیت مسئله ارتباطات است که قدمتی به طول حیات بشر دارد. امروزه پیدایش وسایل ارتباطی جدید و توسعه شبکه‌های ارتباطی، تحول و انقلابی در زمینه ارتباطات ایجاد کرده که اطلاع‌رسانی و انتشار سریع اخبار یکی از این پیامدهاست و تصمیم‌گیرها در عرصه‌های مختلف حیات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و... نیز وامدار این اطلاع‌رسانی و خبر است. بدیهی است که با ارتقای جایگاه اطلاعات در زندگی اجتماعی و فردی، مقوله «نظارت بر اطلاعات» نیز اهمیت مضاعفی می‌یابد. نوشته حاضر در پی بررسی این مقوله از منظر فقه امامیه می‌باشد.

## ۲. حقوق خبرنگار

### ۲-۱. امنیت جانی

#### الف) مقصود از امنیت جانی

مبدأ خیر، برای کسب اطلاع و تهیه مضماین خبری با گسیل عواملی به مناطق مختلف به جمع‌آوری اطلاعات به منظور تبدیل آنها به اخبار و گزارشها می‌پردازد. این عوامل که امروزه «خبرنگار» نامیده می‌شوند، به مقتضای حرفه خود گاهی در مناطق خطرناک و حادثه‌خیز حاضر می‌گردند. از سویی، قانون شریعت در مواردی جان برخی افراد را فاقد احترام اعلام کرده است. غیر از مرتکبان برخی جرایم خاص، عنوان کلی کفار حربی در این زمره قرار دارد که جانشان دارای احترام حقوقی نیست. از آنجا که این نوشتار حقوق خبرنگار را به طور مطلق بررسی می‌کند، لازم است به این پرسش پاسخ گوید که اگر دو عنوان حربی و خبرنگار در یک فرد جمع شود، تکلیف چیست؟ اینجاست که سخن از امنیت جانی به میان می‌آید؛ زیرا خبرنگار مسلمان، از آن جهت که مسلمان است و خبرنگار کافر غیر حربی از آن جهت که حربی نیست، از امنیت جانی برخوردار می‌گردد.

در تفسیر عنوان حربی دو دیدگاه مطرح است:

الف) حربی، کسی است که به جنگ با مسلمانان اشتغال دارد. بنابراین دولتهای در حال جنگ و نیز اتباع ایشان کافر حربی شمرده می‌شوند. (حلی طوسی، ۱۴۰۸: ۴۳۳؛ نیز ر.ک: طوسی، ۱۳۸۷: ۵/۷؛ حلی، ۱۴۰۵: ۷۲/۵).

ب) حربی، کافری است که دعوت اسلام به او رسیده است، ولی از پذیرش اسلام و یا بستن پیمانۀ ذمه خودداری می‌کند (طوسی، ۱۴۰۷: ۵۲۰/۵).

به هر حال، کافر حربی مصداقی دارد که کشتن او مجازات ندارد و حتی در غیر میدان جنگ نیز با اذن امام بنا بر رأی برخی فقها (ر.ک: مقدس اردبیلی، ۱۴۰۳: ۴/۱۴) - و یا حتی بدون اذن امام بنا بر رأی برخی دیگر (ر.ک: جبعی عاملی، ۱۴۱۰: ۵۳/۱۰) - مجاز شمرده می‌شود. علاوه بر کافر حربی، هستند افرادی که به دلایلی غیر از ارتکاب

جرم علیه حقوق شهروندان فاقد احترام جانی‌اند و کشتن ایشان مجاز و در مواردی ضروری است؛ مانند مرتد. بنابراین اصل کلی حرمت جان انسانها، در مواردی تخصیص خورده است، اما با مراجعه به منابع شرعی درمی‌یابیم که خبرنگاران حتی در صورت وابستگی به گروههایی که کشتن ایشان جایز است و حتی با فرض آنکه از نظر حقوقی مشمول احکام این گروهها باشند، هنگام اشتغال به حرفه خود (کسب خبر و خبرنگاری) از امنیت جانی برخوردارند و تعرض به جانشان ممنوع است. بنابراین امنیت ویژه خبرنگاران، به معنای مصونیت جان ایشان در صورت صدق عناوینی است که مجوز اعدام اشخاص می‌باشد، در نتیجه در طول دوره مأموریت تنها در صورت ارتکاب جرایم علیه شهروندان تعقیب و کیفر ایشان مجاز است.

### ب) ادله ضرورت توجه به امنیت جانی خبرنگاران

#### ۱- سنت معصومان در مورد فرستادگان (بیکها)

دلایلی وجود دارد که فرستادگان گروههای جایز القتل، در طول مدت مأموریت خود امنیت جانی دارند و کشتن آنان ممنوع است. مهم‌ترین دلیل این حکم، گفتار و عملکرد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و نیز امیر مؤمنان علیه السلام است. به این نمونه‌ها توجه کنید:

الف) مسیلمه از افراد شیادی بود که به دروغ مدعی رسالت و پیامبری از جانب خدا شد و نامه‌ای به محضر رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرستاد که در آن خواستار پذیرش رسمیت خود از جانب ایشان شده بود. پیامبر به دو نفری که نامه را آورده بودند فرمود: نظر شما چیست؟ گفتند: ما همان را می‌گوییم که او گفته است! پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: اگر چنین نبود که فرستادگان را نمی‌توان کشت، گردن شما را می‌زدم (ابوداود، ۱۴۰۲: ۷۶/۲).

ب) امام صادق علیه السلام از پدراناش چنین نقل می‌فرماید:

قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «لا یقتل الرسل ولا الرهن» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۱۱۷/۱۵)؛ فرستاده و گروگان کشته نمی‌شوند.

ج) امیرالمؤمنین علیه السلام در برخورد با فرستادگان بی‌ادب و جسور معاویه، امنیت آنان را مراعات کرده و گاهی به صراحت بر ضرورت تأمین جانی آنها تأکید فرموده است. از جمله، مورخان نقل کرده‌اند که معاویه مردی را با نامه‌ای سفید

(بدون نوشته) و بدون مهر و نشان که فقط در صدر آن نوشته بود: «من معاویه بن ابی سفیان الی علی بن ابی طالب» نزد ایشان فرستاد. حضرت پس از مشاهده نامه خطاب به مأمور معاویه فرمود: وای بر تو! در شام چه خبر است؟ مأمور گفت: می ترسم که اگر حقیقت را بگویم، به دست تو کشته شوم. حضرت فرمود: چگونه و چرا تو را بکشم در حالی که تو فرستاده‌ای؟ (همان).  
 علتی که در کلام حضرت ذکر شده، موجب تعمیم حکم می‌گردد و همه فرستادگان را در امنیت جانی قرار می‌دهد.

(د) پس از بازگشت پیامبر ﷺ از پیمان صلح با مشرکان، ابوبصیر عتبه بن اسید به آن حضرت پناهنده شد. پیامبر فرمود:

ای ابوبصیر! چنان که می‌دانی ما با این قوم پیمان بسته‌ایم و غدر در دین ما جایز نیست. خدا برای تو و دیگر مستضعفان همراه تو فرج و راه نجاتی قرار خواهد داد، پس نزد قوم خود برگرد (حمیری، ۱۴۱۳: ۳۳۷/۳).

باید توجه داشت که استفاده از این نصوص در تعیین حکم خبرنگاران، منوط به الغای خصوصیت مورد است. مدعای ما نیز همین است که فرستادگان به میدان جنگ یا پیام‌آوران میان رهبران سیاسی، خصوصیت ممتازی در مصونیت ندارند، بلکه اصل، وصف تبادل اطلاعات و پیام‌آوری و پیام‌بری است. آنچه باعث مصونیت یک فرستاده است، همان ماهیت خبررسانی اوست؛ چه در میدان جنگ باشد و چه در غیر آن. توجه به روایت نخست، ما را در این تنقیح مناسبات استوارتر می‌گرداند؛ زیرا در آن واقعه خاص، نه جنگی در کار است و نه مسیلمه رهبری سیاسی است.

در تأیید این کلام می‌توان به عرف جوامع رجوع کرد؛ عرف برای میدان جنگ یا انتقال اطلاعات و پیامها میان رهبران سیاسی خصوصیتی قائل نیست. از طرفی نهادهای خبررسانی که خبرنگاران، تحت نظر ایشان فعالیت می‌کنند، یا دولتی هستند یا خصوصی و یا نیمه دولتی و نیمه خصوصی. در مورد نوع اول و سوم، حتی ادعای همسانی این موضوع با موضوع روایات مورد نظر بعید نیست؛ زیرا به هر حال، خبرنگار مورد نظر، فرستاده‌ای از جانب دولت دشمن می‌باشد و در مورد نوع دوم نیز چون فعالیت نهادهای خصوصی طبق موازین قانون اساسی دولت متبوع انجام می‌پذیرد،

خبرنگاران از این نوع نیز به طور غیر مستقیم، فرستاده دولت مورد نظر خواهند بود. وانگهی با مراجعه به روایات مصونیت سفرا و نیز عباراتی که در تحلیل روایات مذکور وجود دارد، می‌توان دریافت که فرستادن سفیر و مأمور از سوی دولت بیگانه به کشور اسلامی، خود نوعی پیمان و عهد و یا حداقل مسبوق به آن می‌باشد و در ادامه ثابت خواهد شد که حکومت اسلامی، ملزم به عمل به پیمانها و قراردادهای خود با دولتهای کافر است. بنابراین، حتی اگر هیچ قراردادی در مورد تضمین امنیت فرستادگان وجود نداشته باشد، صرف فرستادن آنان خود نوعی قرارداد واجب الوفاست.

آنچه این تحلیل را تأیید می‌کند روایت مربوط به مأموریت ابورافع نزد پیامبر صلی الله علیه و آله است. وی نقل می‌کند قریش مرا نزد پیامبر اکرم فرستادند و چون پیامبر را دیدم به اسلام علاقمند گشتم و خواستار اقامت در مدینه شدم، اما پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: من عهد نمی‌شکنم. لکن به سوی آنان بازگرد، سپس اگر آنچه اکنون در قلبت وجود دارد ادامه یافت، بازگرد (ابن حبان، ۱۴۱۴: ۲۳۳/۱۱). بر خلاف آنچه برخی در توجیه فرموده رسول اکرم صلی الله علیه و آله گفته‌اند (ابن حزم، ۱۳۵۲: ۲۰۵/۹)، مقصود حضرت پیمان حدیبیه و ماده مذکور در آن مبنی بر بازگرداندن پناهندگان به مدینه نبوده است، و گرنه در ذیل حدیث، بازگشت دوباره ابورافع را توصیه نمی‌فرمود، بلکه مقصود حضرت مأموریت ابورافع از جانب قریش بوده است که پذیرش ورود وی به مدینه نوعی عهد و پیمان از سوی رسول خدا صلی الله علیه و آله با مشرکان محسوب می‌شد. یکی از دانشمندان در تأیید این تحلیل می‌نویسد:

این حدیث بر آن دلالت دارد که وفای به عهد نسبت به کفار نیز همانند مسلمانان واجب است؛ [و در تشریح اینکه چگونه نامه آوردن، نوعی قرارداد ایجاد می‌کند، باید گفت:] زیرا فرستادن نامه، مقتضی جوابی است که باید به دست فرستاده نزد فرستنده برسد. بنابراین [فرستادن وی و قبول او] به منزله بستن عهد و قرار است (شوکانی، ۱۴۱۳: ۱۸۳/۸).

فرستاده صرفاً آورنده خبر و اطلاعات از جانب دولت کافر نزد حکومت اسلامی نیست، بلکه مأموری دوجانبه و واسطه تبادل اطلاعات بین حکومت اسلامی و دولت

متبوع خود می‌باشد. در این وساطت، وی حامل اخباری از جانب دولت متبوع و اطلاعات متقابلی از سوی کشور اسلامی است. بنابراین بخشی از مأموریت وی که انتقال اخبار از کشور اسلامی به دولت بیگانه است، دقیقاً با ماهیت فرستاده منطبق است و ادله مصونیت فرستادگان، شامل خبرنگاران نیز می‌شود. البته اگر این فعالیت، نوعی تبادل اطلاعات دوطرفه هم نباشد، بلکه صرفاً یک‌طرفه باشد، باز هم اشکالی به مدعی ما وارد نخواهد کرد.

در نتیجه، باید گفت که از منظر اصول دینی و بلکه انسانی، دولت اسلامی یا نباید اجازه فعالیت به خبرنگاران بدهد یا اگر اجازه داد، شایسته نیست که با او غدر کرده، امنیت جانی او را به خطر اندازد. وانگهی ناپسندی غدر که از پیامبر ﷺ به طور عام روایت شده، تمام موارد و مصادیق آن را شامل می‌شود و می‌تواند دلیلی مستقل برای اثبات هدف ما نیز باشد.

علاوه بر این، گواه دیگری وجود دارد - که قبلاً به آن اشاره شد - و آن، مناطی است که در مصونیت فرستادگان به نظر می‌رسد. ظاهراً آنچه ملاک این حکم است «مأموریت از جانب گروه غیر مسلمان در محدوده دولت اسلامی و قبول ورود و انجام مأموریت او از جانب حکومت اسلامی است» که با این ملاک، خبرنگاران نیز مصونیت می‌یابند.

## ۲. ضرورت پای‌بندی حکومت اسلامی به پیمانهای جهانی و بین‌المللی

در بحث قبل، فرستادن و پذیرش خبرنگاران در خاک کشور اسلامی را ماهیتاً نوعی قرارداد و پیمان دوجانبه و لازم‌الوفادانستیم. اما در بحث حاضر بر آنیم تا بدون ملاحظه این ماهیت، مصونیت خبرنگاران را به استناد پیمانهای خاصی که در زمینه گسیل این افراد منعقد شده است، ثابت کنیم.

مسئله تأمین امنیت جانی اتباع و مأموران کشورهای بیگانه از تعهداتی است که کشورها به موجب قراردادهای بین‌المللی ملزم به رعایت آن شده‌اند. اصولاً مهم‌ترین منبعی که می‌تواند اساس مقررات و روابط بین‌المللی محسوب شود، عهد و پیمان است و صلح جهانی و روابط عادلانه جوامع با یکدیگر، تنها از طریق اصولی

که همه جوامع به آن ملتزم باشند، قابل تحقق است.<sup>۱</sup> بنابراین حکومت اسلامی نیز با امضای این معاهدات به مفاد آن ملتزم می‌شود که از جمله آنها حفظ امنیت جانی خبرنگاران است و اسلام، پای بندی دولت اسلامی را به تعهداتی که با کفار منعقد می‌سازد، واجب و تخلف از آن را ممنوع می‌شمارد. از این رو، دولت اسلامی موظف به حفظ امنیت آنان و خودداری از تعرض به جان آنهاست. دلایلی که ضرورت پای بندی به تعهدات بین المللی را اثبات می‌کنند، عبارتند از:

### الف) آیات

۱. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوفُوا بِالْعُقُودِ﴾<sup>۲</sup> (مائده / ۱). با توجه به اینکه کلمه عقد در لغت به معنای عهد است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۲۹۶/۳)، شامل معاهدات و قراردادهای بین المللی نیز می‌گردد.

۲. ﴿وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا﴾<sup>۳</sup> (اسراء / ۳۴). این آیات، به صورت مطلق گویای ضرورت پای بندی به پیمانهاست و اطلاق و عموم آنها، معاهدات با غیر مسلمانان را نیز شامل می‌شود.

۳. ﴿كَيْفَ يَكُونُ لِلْمُشْرِكِينَ عَهْدٌ عِنْدَ اللَّهِ وَعِنْدَ رَسُولِهِ إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ فَمَا اسْتَقَامُوا لَكُمْ فَاسْتَقِيمُوا لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ﴾<sup>۴</sup> (توبه / ۷). در این آیه، خداوند وفا به پیمان با مشرکان را لازمه تقوا شمرده است.

### ب) روایات

۱. رفتار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که پس از بستن پیمان با مشرکان به نمایندگی سهیل بن عمرو، تا آخر به مندرجات و مفاد آن ملتزم بود. برای نمونه از جمله بندهای این پیمان، تعهد بر استرداد مجروحان بود که بر اساس آن، استرداد هر یک از قریش که بدون

۱. کلسن، بنیان گذار مکتب حقوقی وین، معتقد است که همه قواعد حقوقی و اصول داخلی و بین المللی آن، الزامی بودن خود را از اصل وفا به دست آورده اند و تنها این سنگ زیرین بنای حقوق است که قادر به الزام انبای بشر به مراعات مقررات حقوقی است (صفدری، ۱۳۷۲: ۱۳۹/۱).

۲. ای کسانی که ایمان آورده اید، به عهد و پیمان پای بند باشید.

۳. به پیمان خویش وفا کنید، زیرا از عهد سؤال خواهد شد.

۴. چگونه خدا و رسول با مشرکانی که پیمان خود را شکستند وفادار باشند، مگر آنانی که در مسجد الحرام با ایشان عهد بسته اید که مادام که آنان به پیمان خود وفادارند، شما نیز وفا کنید که خدا پرهیزکاران را دوست دارد.



اذن ولیّ خود نزد پیامبر ﷺ می آمد، ضروری می گردید. پس از انعقاد این پیمان، مردی به نام ابوجندل که پیشتر اسلام آورده بود، نزد حضرت آمد و سهیل پس از ضرب و شتم وی خطاب به پیامبر عرضه داشت: قرار بین من و تو پیش از آمدن این مرد منعقد شده بود. حضرت فرمود: راست گفتی و سهیل ابوجندل را کشان کشان نزد قریش می برد و وی فریاد می زد: ای مسلمانان، آیا مرا به نزد قریش باز می گرداند (و شما ساکتید)؟ پیامبر ﷺ فرمود: ای ابوجندل! صبر کن که خداوند برای تو و دیگر کسانی که با تو مورد ستم قریش قرار گرفته اند، گشایشی خواهد داد. همانا ما و این قوم پیمان بسته ایم و ما به پیمان خود خیانت نمی کنیم (حمیری، ۱۴۱۳: ۳/۳۳۴).

۲. پس از بازگشت پیامبر ﷺ از پیمان صلح با مشرکان، ابوبصیر عتبه بن اسید به آن حضرت پناهنده شد و ایشان بار دیگر تکرار فرمودند:

ای ابوبصیر! چنان که می دانی ما با این قوم پیمان بسته ایم و غدر در دین ما جایز نیست. خدا برای تو و دیگر مستضعفان همراه تو فرج و راه نجاتی قرار خواهد داد، پس نزد قوم خود برگرد (حمیری، ۱۴۱۳: ۳/۳۳۷).

۳. فرمان صریح امیر مؤمنان علیه السلام به عنوان زمامدار مسلمانان مبنی بر ضرورت پای بندی به تعهدات و پیمانهایی که با دولتهای متخاصم منعقد می گردد. قسمتی از متن این فرمان که خطاب به مالک اشتر، والی مصر صادر شده، به این شرح است:

اگر با دشمن پیمان بستی یا چیزی را متعهد شدی به پیمان خود وفا کن و آنچه را تعهد کرده ای انجام ده و خودت را سپر پیمان و زنجاری که دادی، قرار ده [مبادا که در تعهدات خود کوتاهی کنی]؛ چرا که هیچ واجبی از واجبات الهی مثل وجوب وفای به عهد نیست که مردم با وجود اختلاف نظر و سلايق گوناگونی که دارند، در آن اشتراک نظر دارند و حتی مشرکان نیز درباره قرار دادهایی که با مسلمانان می بستند پای بندی نشان می دادند و این به خاطر آن بود که نتیجه ناگوار پیمان شکنی را آزموده و به پیامد بد آن دچار شده بودند. پس تو نیز مبادا به امانت خیانت کنی و پیمان را بشکنی و دشمن را فریب دهی؛ زیرا تنها جاهلان تیره روز مرتکب جرئت و جسارت نسبت به حدود الهی می شوند. همانا خداوند پیمان و قراردادهای را وسیله امن و آسایش نموده و آن را به فضل خود در میان بندگان خویش گسترده است و پناهگاهی قرار داده که به استواری آن اعتماد کنند و از

همه طرف به آن روی آوردند (فیض الاسلام، ۱۳۷۹: ۱۰۱۲).

### ۳. برقراری پیمان استیمان درباره خبرنگاران

امان، پیمانی است که ولی امر مسلمین یا یکی از مسلمانان با کفار حربی و دیگر متجاوزان منعقد می‌کند که بر اساس آن، به فرد یا گروهی از ایشان امان داده می‌شود و تأمین امنیت جانی او در هنگام سفر به کشور اسلامی تعهد می‌گردد. اما اگر بنا باشد که این پیمان در سطح گسترده و عمومی (گروهی) صورت گیرد، حتماً باید از سوی ولی امر مسلمین منعقد شود. یکی از فقیهان شهیر در تحلیل و توضیح این پیمان و مبنای مشروعیت آن می‌نویسد:

عقد و پیمان معروف به امان، جایز است که با مشرکان منعقد شود و مبنای مشروعیت آن، سخن خدای متعال است که فرمود: «اگر یکی از مشرکان از تو پناه خواست، به او پناه ده تا سخن خدا را بشنود و سپس او را به محل خود بازگردان» (توبه/۶) و پیامبر اکرم در حدیثی برای همه مشرکان چنین قراری صادر فرمود. باید ملاحظه کرد که اگر طرف پیمان، شخص امام است، می‌تواند آن را برای همه مشرکان در همه مناطق و اماکن صادر نماید؛ زیرا تولی و تصدی مصالح مسلمانان به دست اوست و نظر او ملاک است. اما اگر جانشین امام منعقدکننده پیمان باشد، می‌تواند درباره اهل کشورهای مجاور، پیمان امان را منعقد کند، نه همه مناطق و کشورها و در صورتی که شهروندان مسلمان، اقدام به چنین پیمانی را در نظر داشته باشند، برای آحاد و حداکثر گروههای محدود ده نفره مجاز است (طوسی، ۱۳۸۷: ۱۴/۲).

به نظر می‌رسد پذیرش ورود خبرنگاران خارجی یا وابسته به دولتها و گروههای متخاصم، در صورتی که ورودشان به عنوان خبرنگار و با هماهنگی دولت اسلامی صورت گرفته باشد، متضمن اعطای امان به آنهاست؛ زیرا هر لفظ یا کنایه‌ای که بیانگر این مفهوم باشد (حلی، ۱۴۰۸: ۲۳۹/۱) و نیز هر عمل دولت اسلامی که چنین مضمونی را برساند، در تحقق این پیمان کفایت می‌کند (نجفی، ۱۴۰۴: ۲۴۱/۲۱). بنابراین هماهنگی توسط نمایندگان گنجهای کشور اسلامی، صدور روایید و اجازه انجام وظایف حرفه‌ای در داخل کشور اسلامی و سایر اقدامات مربوط که توسط دولت مزبور انجام می‌گیرد، اعطای امان شمرده می‌شود.

## ۲-۲. مصونیت قضایی

مصونیت قضایی، به معنای ایمن بودن خبرنگار از دستگیری، بازداشت و سایر محکومیت‌های کیفری است که در راستای انجام وظایف حرفه‌ای و اطلاع‌رسانی انجام می‌دهد. بدیهی است که مصونیت از تعرض حکومت به جریان عادی و آزادانه حیات فردی، حقی عمومی است که همه شهروندان عادی از آن برخوردارند و به موجب آن، هیچ کس را نمی‌توان جز در مواردی که قانون مقرر می‌دارد، بازداشت کرد. این مضمون در ماده ۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده است: «احدی را نمی‌توان خودسرانه توقیف، حبس یا تبعید کرد». اساساً تضمین آزادیهای مردم از مهم‌ترین مشخصات حکومت‌های مردمی در برابر رژیم‌های دیکتاتوری و استبدادی است. اگر قرار باشد در جامعه‌ای، آزادی مردم بازیچه هوی و هوس فرد یا مقام خاصی قرار گیرد و مردم به صرف دستور این و آن دستگیر و بازداشت شوند یا از فعالیت باز بمانند، آن جامعه، آزادی خود را از دست خواهد داد. در اصل ۳۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز به این حقیقت اشاره شده است: «هیچ کس را نمی‌توان دستگیر کرد، مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند». بر اساس آنچه گفته شد، مصونیت قضایی باید معنای ویژه‌ای داشته باشد که دارندگان مشاغلی خاص را شامل شود.

### الف) مفهوم مصونیت قضایی

مصونیت قضایی به دو صورت منفی و مثبت تفسیرپذیر است و وجود همین دو نوع تفسیر، مخالفان و موافقان را در تطبیق این اصل بر مصادیق، در برابر یکدیگر قرار داده است، در عین اینکه همگان به اصل ضرورت وجود چنین اصلی در جامعه معتقدند. مخالفان، غالباً معنای منفی آن را به رقبای نسبت می‌دهند و موافقان ادعا می‌کنند که مصادیق مورد نظر ایشان، مشمول معنای مثبت این اصل است.

مصونیت قضایی در معنای منفی، به مفهوم قرار دادن افراد و گروه‌هایی در جایگاه برتر از قوانین و هنجارهای مورد توافق جمعی و مصون داشتن ایشان از عواقب قانونی تجاوز به حقوق دیگران و تخلف از مقررات و قوانین می‌باشد. روشن است که این تفسیر، مصونیت قضایی را دقیقاً در برابر اصل تساوی همگان در برابر

قانون قرار می‌دهد که بر اساس آموزه‌های دینی و تعالیم پیشوایان معصوم مردود است.<sup>۱</sup> اما مصونیت، معنای مثبتی نیز دارد که عقل و نیز شرع آن را تأیید می‌کنند و آن، ایجاد بستر امن برای فعالیت در حوزه‌هایی است که متضمن مصلحت عمومی و تأمین منافع جامعه می‌باشد. اما به طور معمول نوع و حوزه آن فعالیت با مصالح و منافع گروهها و قشرهایی اصطکاک می‌یابد که ابزار قدرت را در دست دارند. این بسترسازی برای فعالیتهای ویژه مانند نمایندگی مجلس شورای اسلامی یا متصدیان اطلاع‌رسانی و نشر اخبار و اطلاعات مورد نیاز جامعه نه تنها مذموم نیست، بلکه حکم عقل و شرع پشتوانه آن است. مقصود از مصونیت قضایی در امر اطلاع‌رسانی این است که اگر نشر اخبار و اطلاعات موجب ایراد ضرر و زیان بر دیگران می‌شود، در صورتی که این اخبار، اسرار ایشان محسوب نگردد تا از باب افشای اسرار ممنوع باشد، بلکه صرفاً اطلاعات و اخباری در حوزه‌های مرتبط با سیاست، فرهنگ، اقتصاد و... در سطح جامعه باشد، منبع و مولد خبر، در قبال آسیبی که به گروهها و قشرهای خاص وارد می‌شود، هیچ مسئولیت مدنی و کیفری ندارد.<sup>۲</sup> روشن است که انتشار برخی اخبار اقتصادی، ضرر و زیان شرکتها و مؤسساتی را به دنبال دارد، همان طور که نشر برخی اخبار سیاسی ممکن است در صحنه منازعات سیاسی، گروههایی را از دستیابی به قدرت یا ورود به مجلس و دولت محروم نماید. همچنین انتشار خبری درباره یک موضوع علمی یا فرهنگی ممکن است طراحان و متصدیانی را که دست‌اندر کار پروژه‌ای در همان موضوعند، متضرر سازد؛ اما

۱. برای نمونه، در روایات آمده که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بر فراز منبر فرمود: تمام انسانها از زمان آدم تا کنون مانند دندانه‌های شانه برابرنند؛ هیچ برتری برای عرب بر غیر عرب یا سرخ‌پوست بر سیاه‌پوست وجود ندارد، مگر بر مبنای تقوا (نوری، ۱۴۰۸: ۸۹/۱۲).

۲. مواد ۳ و ۴ قانون مطبوعات از این قرار است:

ماده ۳: مطبوعات حق دارند نظرات، انتقادات سازنده، پیشنهادها، توضیحات مردم و مسئولین را با رعایت موازین اسلامی و مصالح جامعه درج و به اطلاع عموم برسانند.  
تبصره - انتقاد سازنده مشروط به دارا بودن منطق و استدلال و پرهیز از توهین، تحقیر و تخریب می‌باشد.

ماده ۴: هیچ مقام دولتی و غیر دولتی حق ندارد برای چاپ مطلب یا مقاله‌ای در صدد اعمال فشار بر مطبوعات برآید و یا به سانسور و کنترل نشریات مبادرت کند.

عواقب مدنی و کیفری این زیان دامنگیر مبدأ خبر نیست.

بر این اساس، برای مبدأ خبر این حق ثابت می‌گردد که در مرحله کسب اطلاع و نیز در مراحل بعد عرضه و نشر اخبار، به سبب انجام کار و حرفه خود از مجازات مصون باشد. این مصونیت قضایی، در واقع تعبیر دیگری از مفهوم «امنیت شغلی» است برای کسانی که حرفه آنان با حوزه‌های عمومی و مسائل ملی گره خورده است. به نظر می‌رسد به شکل یک گزاره کلی، می‌توان ادعا کرد هر شغلی که وجود آن در جامعه ضروری باشد، چنانچه به ضرر برخی گروهها و اقشار باشد، این ضرر یا از اساس، مشمول موضوع قاعده لاضرر نخواهد بود یا حکم آن بر اساس قاعده اهم و مهم برطرف می‌گردد.

## ب) ضوابط مصونیت قضایی خبرنگاران و دیگر عوامل اطلاع‌رسانی

### ۱. اقدام در راستای اجرای وظیفه حرفه‌ای

در جامعه وظیفه اطلاع‌رسانی و انتشار اخبار و اطلاعات به نهاد خبرگزاری و اطلاع‌رسانی واگذار گردیده است و این نهاد که ممکن است در قالب مؤسسات مختلف به انجام وظیفه بپردازد، عهده‌دار مسئولیت تولید آگاهی در اجتماع است. طبیعتاً انجام این وظیفه مانند سایر وظایف، اقتضات و لوازم خاص خود را دارد. برای نمونه، در حوزه سیاسی - اجتماعی، بخشی از این وظیفه در قالب بیان مشکلات مختلف مردم و شهروندان و متقابلاً گزارش ضعف عملکرد مسئولان و نارساییهای دستگاههای حکومتی خواهد بود. روشن است که اطلاع‌رسانی در نظام مورد نظر شارع، یک عملیات هدفمند می‌باشد و دستیابی به این هدف در بسیاری موارد مستلزم توسعه حریم اطلاع‌رسانی به بخشهای مختلف است. لذا اطلاع‌رسانی در مسائل سیاسی و اجتماعی را تا زمانی که فعالیت در راستای اجرای این وظیفه حرفه‌ای است، هر چند موجب اختلال در آرامش جامعه باشد، نمی‌توان با عناوینی نظیر اختلال در نظم عمومی و... مورد تعقیب و مؤاخذه قرار داد. در عین حال، این ضابطه یک جنبه سیاسی نیز دارد که بر پایه آن اگر عملیات نهاد خبرگزاری و مؤسسات تابع آن معطوف به اقداماتی گردد که خارج از وظایف حرفه‌ای است، مصونیت مرتکب منتفی است.

## ۲. عدم تجاوز به حقوق اشخاص حقیقی و حقوقی غیر مرتبط با حوزه سیاست و مسائل ملی و نیز حفظ حقوق عمومی

اجرای وظیفه حرفه‌ای اطلاع‌رسانی منوط به دلایلی است که تکالیفی را متوجه شخص یا نهاد متصدی این امر می‌سازد. تحقیق در این تکالیف نیازمند نوشتاری مستقل می‌باشد، اما فی‌الجمله باید گفت که نشر اخبار متضمن توهین به افراد یا انتشار اسرار محرمانه و شخصی، از مواردی هستند که ارتکاب آنها حتی اگر در راستای انجام وظیفه حرفه‌ای صورت گرفته باشد، قابل تعقیب کیفری است. توجه به رابطه بین دلایل تکالیف خبرنگار و دلیل مصونیت قضایی او، می‌تواند خواننده را به درستی ادعایی که بیان شد، راهنمایی کند و البته نتیجه این قید آن است که غیر از مواردی مشخص<sup>۱</sup> که

۱. برای نمونه درباره نشریات که بیشتر، حاصل تلاش خبرنگاران را منتشر می‌کنند، در ماده ۶ قانون مطبوعات آمده است: «نشریات، جز در مورد اخلاص به مبانی و احکام اسلام و حقوق عمومی و خصوصی که در این فصل مشخص می‌شوند آزادند: ۱. نشر مطالب الحادی و مخالف موازین اسلامی و ترویج مطالبی که به اساس جمهوری اسلامی لطمه وارد کند؛ ۲. اشاعه فحشا و منکرات و انتشار عکسها و تصاویر و مطالب خلاف عفت عمومی؛ ۳. تبلیغ و ترویج اسراف و تبذیر؛ ۴. ایجاد اختلاف مابین اقشار جامعه، به ویژه از طریق طرح مسائل نژادی و قومی؛ ۵. تحریص و تشویق افراد و گروهها به ارتکاب اعمالی علیه امنیت، حیثیت و منافع جمهوری اسلامی ایران در داخل یا خارج؛ ۶. فاش نمودن و انتشار اسناد و دستورها و مسائل محرمانه، اسرار نیروهای مسلح جمهوری اسلامی، نقشه و استحکامات نظامی، انتشار مذاکرات غیر علنی مجلس شورای اسلامی و محاکم غیر علنی دادگستری و تحقیقات مراجع قضایی بدون مجوز قانونی؛ ۷. اهانت به دین مبین اسلام و مقدسات آن و همچنین اهانت به مقام معظم رهبری و مراجع مسلم تقلید؛ ۸. افترا به مقامات، نهادها، ارگانها و هریک از افراد کشور و توهین به اشخاص حقیقی و حقوقی که حرمت شرعی دارند، اگرچه از طریق انتشار عکس یا کاریکاتور باشد؛ ۹. سرقت‌های ادبی و همچنین نقل مطالب از مطبوعات و احزاب و گروههای منحرف و مخالف اسلام (داخلی و خارجی) به نحوی که تبلیغ از آنها باشد. (حدود موارد فوق را آیین‌نامه مشخص می‌کند). تبصره - سرقت ادبی عبارت است از نسبت دادن عمدی تمام یا بخش قابل توجهی از آثار و نوشته‌های دیگران به خود یا غیر، ولو به صورت ترجمه؛ ۱۰. استفاده ابزاری از افراد (اعم از زن و مرد) در تصاویر و محتوا، تحقیر و توهین به جنس زن، تبلیغ تشریفات و تجملات نامشروع و غیر قانونی، طرح مطالب موجب تضاد میان زن و مرد از طریق دفاع غیر شرعی از حقوق آنان. تبصره - متخلف از موارد مندرج در این ماده، مستوجب مجازاتهای مقرر در ماده ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی خواهد بود و در صورت اصرار، مستوجب تشدید مجازات و لغو پروانه می‌باشد؛ ۱۱. پخش شایعات و مطالب خلاف واقع و یا تحریف مطالب دیگران؛ ۱۲. انتشار مطلب علیه اصول قانون اساسی.»

تمامی مواد مذکور را می‌توان در جای خود با ادله شرعی به اثبات رساند. به علاوه با الغای خصوصیت می‌توان تکالیف مزبور را بر عهده خبرنگاران نیز دانست.

باید در جای خود تبیین گردد، در هیچ مورد دیگر نمی‌توان اطلاع‌رسانی را به بهانهٔ اضرار به دیگران مورد تعقیب قرارداد.

### ج) ادلهٔ مصونیت قضایی

#### ۱. مصونیت نسبت به عواقب و مسئولیت مدنی

در این بخش، اثبات مصونیت قضایی، بسته به این است که دو نکته پذیرفته شود: نخست اینکه اطلاع‌رسانی حق مبدأ و مولد خیر است و دوم اینکه وی می‌تواند از این حق حتی در صورت ضرر به دیگران، بهره‌برداری نماید. اما نکتهٔ نخست، فاقد اشکال است؛ زیرا اگر خبر را ملک منبع و مولد بدانیم، همهٔ آثار و لوازم حق، که بنا بر نظر برگزیده مرتبهٔ ضعیفی از ملکیت است، مترتب خواهد شد. وانگهی، از آنجا که نفس اطلاع‌رسانی و عرضهٔ اخبار، بدون آنکه نقش تولیدی مولد خبر را مورد ملاحظه قرار دهیم، نوعی کار است که متضمن تصرف در اعضا و جوارح و مایملک خویش است و مشمول محدودیتهای موضوعی نیست که در شرع برای انجام کارهای خدماتی مقرر شده است؛ لذا حق ناشر خبر محسوب می‌گردد. بنابراین مهم‌ترین قسمت بحث اثبات نکتهٔ دوم است. با مراجعه به متون فقهی درمی‌یابیم که فقها، استفاده از حق و اعمال آن و تصرف در ملک خویش را در مواردی که مستلزم ضرر دیگران می‌باشد، تجویز کرده و حتی مدعی وجود اجماع بر این امر شده‌اند. نقل برخی از عبارات فقها می‌تواند به منظور برداشت یک ملاک کلی که در مورد محل بحث نیز مفید است، سودمند باشد. شیخ طوسی می‌نویسد:

اگر کسی در خانهٔ خود چاهی بکند و همسایه‌اش بخواهد در حیاط خود و نزدیک به چاه وی، فاضلاب یا آبریزگاهی حفر کند، حق جلوگیری از همسایه را ندارد. هر چند ایجاد فاضلاب به تغییر آب چاه منجر شود یا صاحب چاه، آب آن را به دلیل احتمال آلودگی، غیر بهداشتی و آلوده بشمارد. دلیل این امر آن است که هر کس می‌تواند در ملک خود تصرف کند (۱۳۸۷: ۲۷۳/۳).

ابن ادریس نیز می‌گوید:

اگر شخصی در ملک خود چاهی حفر کند و همسایهٔ او در منزل خویش و نزدیک

همان چاه، چاهی حفر نماید که به کاهش آب چاه اول منجر شود، حق ممانعت از کار همسایه را ندارد؛ زیرا مردم بر اموال خویش تسلط دارند. هر کس می‌تواند در ملک به صورت معمول، آن گونه که می‌خواهد تصرف کند و هر چند به نابودی ملک دیگر بینجامد، ضمانت و مسئولیتی متوجه او نیست، مگر آنکه به ملک غیر تجاوز کرده باشد (۱۴۱۰: ۳۸۲/۲).

علامه حلی هم می‌فرماید:

در مورد شخصی که خانه خود را که در محلی مسکونی و در میان خانه‌های مردم قرار دارد، به اصطبل، کاروانسرا یا آسیاب تبدیل می‌کند [و بدین وسیله آسایش اهالی محل آسیب ببیند] یا در بازار عطر فروشان، مغازه آهنگری و لباس شویی، که معمول نیست، تأسیس می‌کند، دو نظر وجود دارد: شافعی در یک نظر خود با احمد هم‌داستان است و حکم به ممنوعیت نموده، اما در نظر دیگری معتقد به جواز شده است. رأی من نیز همین [جواز] است (۱۴۱۴: ۴۱۴/۲).

شهید اول می‌گوید:

هر کس مجاز است که در ملک خود به صورت عادی و معمول تصرف کند، هر چند دیگران زیان ببینند (عاملی، ۱۴۱۰: ۶۰/۳).

محقق کرکی نیز معتقد است:

چون مردم بر اموال خویش مسلط هستند، هر کس می‌تواند در ملک خود آن گونه که می‌خواهد تصرف کند و اگر نیاز، او را وادار ساخت که در ملکش آتش بیفروزد یا آب رها کند، این عمل جایز است، هر چند گمان و ظن غالب داشته باشد که آتش و آب به ملک غیر سرایت کرده و ضرر وارد می‌سازد (کرکی، ۱۴۱۴: ۲۱۸/۲).

نیز به باور شیخ انصاری، تصرف مالک در ملک خویش یا برای دفع ضرر از خود صورت می‌گیرد یا برای دستیابی به نفع و سود و یا لغو و بی‌هدف. در صورت نخست، هیچ تردیدی در جواز تصرف نیست و هیچ مخالفی هم دیده نشده است؛ زیرا الزام او به تحمل ضرر و عدم تصرف در ملکش برای جلوگیری از وارد آمدن ضرر و زیان به دیگران، حکمی ضرری و مورد نفی شارع است و دلیل «الناس مسلطون علی أموالهم» نیز جواز را تأیید می‌کند و اینکه برخی گفته‌اند که باید ضرر



وی و ضرر دیگران را ملاحظه و هر یک را که کمتر است تحمل نمود، ادعایی ضعیف، بی دلیل و بر خلاف گفتار فقهای ماست... در صورت دوم نیز نظر مشهور بر جواز می باشد؛ زیرا جلوگیری از تصرف مالک در ملکش و منوط کردن تصرف او به عدم تضرر دیگران، حکمی مشقت آمیز و حرجی است... فقط در صورت سوم اگر ضرر دیگران مطرح باشد، تصرف جایز نیست؛ زیرا در جلوگیری از تصرف مالک، ضرری به او وارد نمی شود و ظاهراً نظر فقهای ما هم همین است (انصاری، ۱۴۱۵: ۵۴۱/۲).

بنابراین دلایلی که می توان از گفتار فقهای امامیه برای اثبات این قبیل تصرفات ارائه کرد عبارتند از: قاعده لاضرر، قاعده تسلیط و قاعده لاجرح. از آنچه بیان شد روشن می شود که اقدامات متصدیان نشر و عرضه اخبار و اطلاعات در جامعه، اگر در راستای اجرای وظیفه حرفه ای آنان باشد و به حق دیگران تجاوز نکرده باشند، چنانچه مستلزم زیان افراد یا گروهها باشد، هیچ مسئولیت مدنی متوجه آنان نخواهد بود.

## ۲. مصونیت نسبت به عواقب و مسئولیت کیفری

دلیل مصونیت مبدأ خبر در این بخش، بسیار روشن است؛ زیرا هیچ یک از عناوین کیفری بر نفس اطلاع رسانی منطبق نمی شود و با فرض اینکه ضرر زدن به دیگران به وسیله اطلاع رسانی در فرض مورد بحث، مجاز شناخته می شود، از باب قاعده کلی «تعزیر مرتکبان گناهان» (ر.ک: حسینی مراغی، ۱۴۱۷: ۶۲۷/۲) نیز نمی توان متصدیان را تعقیب و مجازات کرد.

## نتیجه گیری

پرسش اساسی این است که اگر یک خبرنگار از جانب مبادی خبر وابسته به دولتهای حربی در صدد تهیه اخبار از درون مملکت اسلامی باشد، آیا امنیت جانی دارد یا خیر؟ اگر صرف عنوان کافر حربی باشد، مسلماً امنیت جانی نخواهد داشت. لکن وقتی کافر حربی در لباس خبرنگار باشد چه؟ پس از تفسیر عنوان حربی، با این

فرض که بر چنین خبرنگارانی کافر حربی اطلاق شود، معتقدیم که خبرنگاران از امنیت جانی برخوردارند.

**الف) امنیت جانی:** به نظر ما مهم‌ترین دلیل برای اثبات این مدعا روایاتی است که در مورد فرستادگان و پیکها وارد شده است. البته استدلال به این گونه روایات مبتنی بر تنقیح مناط از موضوع روایات و استخراج موضوعی با عنوان «مأموریت از جانب گروه غیر مسلمان در محدوده دولت اسلامی و قبول ورود و انجام مأموریت او از جانب حکومت اسلامی است». علاوه بر این اعتقاد داریم صرف صدور روایت برای خبرنگار با عنوان خبرنگار، نوعی تعهد از جانب دولت اسلامی مبنی بر صیانت از جان وی می‌باشد. بنابراین طبق کبرای کلی «وجوب التزام به مفاد تعهد» حفظ جان چنین افرادی بر عهده نظام اسلامی حاکم خواهد بود. وانگهی اگر چنین ادله‌ای را نپذیریم آخرین دستاویز ما میثاقها و تعهدنامه‌های بین‌المللی است. چه اینکه نظام اسلامی با عضویت در سازمانهای بین‌المللی و امضای چنین تعهداتی، مخاطب «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» خواهد شد.

**ب) مصونیت قضایی:** آنچه می‌تواند مبدأ تولید خبر و به تبع خبرنگار را در معرض عواقب مدنی و کیفری قرار دهد، آن است که ممکن است تولید و انتشار خبری خاص به ضرر اشخاص حقیقی و یا حقوقی باشد. لکن به نظر می‌رسد به شکل یک گزاره کلی، می‌توان ادعا کرد که هر شغلی که وجود آن در جامعه ضروری باشد، در صورتی که به ضرر برخی گروهها و اقشار باشد، این ضرر یا از اساس مشمول موضوع قاعده لاضرر نخواهد بود و یا حکم آن بر اساس قاعده اهم و مهم برطرف می‌گردد.

## کتاب شناسی

۱. ابن ادريس، محمد بن احمد، *السرائر الحاوی لتحرير الفتاوى*، چاپ دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامي، ۱۴۱۰ ق.
۲. ابن حبان، محمد، *صحيح ابن حبان بترتيب ابن بلبان*، چاپ دوم، بيروت، الرساله، ۱۴۱۴ ق.
۳. ابن حزم، علي بن احمد، *المحلى بالاثار*، قاهره، مكتبة دار التراث، ۱۳۵۲ ق.
۴. ابن منظور، محمد بن مكرم، *لسان العرب*، چاپ سوم، بيروت، دار صادر، ۱۴۱۴ ق.
۵. ابوداود، سليمان بن اشعث، *سنن ابى داود*، بيروت، المكتبة العصريه، ۱۴۰۲ ق.
۶. انصارى، مرتضى بن محمدامين، *كتاب المكاسب*، قم، كنگرة جهانى بزرگداشت شيخ انصارى، ۱۴۱۵ ق.
۷. جبعى عاملى، زين الدين بن على، *الروضة البهيه فى شرح اللمعة الدمشقيه*، قم، كتابفروشى داورى، ۱۴۱۰ ق.
۸. حرّ عاملى، محمد بن حسن، *تفصيل وسائل الشيعه الى تحصيل مسائل الشريعة*، قم، آل البيت، ۱۴۰۹ ق.
۹. حسيني مراغى، عبدالفتاح، *العناوين الفقهيه*، چاپ دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامي، ۱۴۱۷ ق.
۱۰. حلى طوسى، محمد بن على بن حمزه، *الوسيلة الى نبيل الفضيله*، قم، كتابخانه آية الله مرعشى نجفى، ۱۴۰۸ ق.
۱۱. حلى، حسن بن يوسف بن مطهر، *تذكرة الفقهاء*، قم، آل البيت، ۱۴۱۴ ق.
۱۲. حلى، نجم الدين جعفر بن حسن، *شرايع الاسلام فى مسائل الحلال والحرام*، قم، اسماعيليان، ۱۴۰۸ ق.
۱۳. حلى، يحيى بن سعيد، *الجامع للشرائع*، قم، سيدالشهداء، ۱۴۰۵ ق.
۱۴. حميرى، محمد بن جعفر، *قرب الاسناد*، قم، آل البيت، ۱۴۱۳ ق.
۱۵. شوکانى، محمد بن على، *نيل الاوطار*، مصر، دار الحديث، ۱۴۱۳ ق.
۱۶. صفدرى، محمد، *حقوق بين الملل عمومى*، چاپ چهارم، تهران، گنج دانش، ۱۳۷۲ ش.
۱۷. طوسى، محمد بن حسن، *الخلاف*، قم، دفتر انتشارات اسلامي، ۱۴۰۷ ق.
۱۸. همو، *المبسوط فى فقه الاماميه*، چاپ سوم، تهران، المكتبة المرتضويه، ۱۳۸۷ ق.
۱۹. عاملى، محمد بن مكى، *الدروس الشرعية فى فقه الاماميه*، چاپ دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامي، ۱۴۱۰ ق.
۲۰. فيض الاسلام، على نقى، *ترجمه و شرح نهج البلاغه*، تهران، فقيه، ۱۳۷۹ ق.
۲۱. كركى، على بن حسين، *جامع المقاصد فى شرح القواعد*، چاپ دوم، قم، آل البيت، ۱۴۱۴ ق.
۲۲. معتمدزاد، كاظم و ابوالقاسم منصفى، *روزنامه نگارى با فصلى جديد در بازنگري روزنامه نگارى معاصر*، چاپ دوم، تهران، سپهر، ۱۳۸۶ ش.
۲۳. مقدس اردبيلى، احمد بن محمد، *مجمع الفائدة والبرهان*، قم، دفتر انتشارات اسلامي، ۱۴۰۳ ق.
۲۴. نجفى، محمدحسن، *جواهر الكلام فى شرح شرايع الاسلام*، چاپ هفتم، بيروت، دار احياء التراث العربى، ۱۴۰۴ ق.
۲۵. نورى، ميرزا حسين، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، بيروت، آل البيت، ۱۴۰۸ ش.

